

تاریخ درمان، پزشکی و بیمارستان‌ها در اسلام و ایران / ۲

# پزشکی در ایران اسلامی از جناب شایسته شایسته شایسته جناب شایسته شایسته شایسته

دکتر علی اکبر ولایی

سرشناسه: ولایتی، علی اکبر، ۱۳۲۴ - Velayati, Ali Akbar  
 عنوان و نام پدیدآور: پزشکی در ایران اسلامی از جندی شاپور تا ربع رشیدی/ علی اکبر ولایتی.  
 مشخصات نشر: تهران: مؤسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی، ۱۳۹۶.  
 مشخصات ظاهری: ۵۶۹ ص.  
 فروست: تاریخ درمان، پزشکی و بیمارستان‌ها در اسلام و ایران؛ ۲.  
 شابک: ۹۷۸۹۶۴۶۹۲۳۹۵۹  
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
 موضوع: پزشکی - ایران - تاریخ  
 موضوع: Medicine -- Iran -- History  
 موضوع: پزشکی ایرانی - تاریخ  
 موضوع: Medicine, Persian -- History  
 موضوع: پزشکی اسلامی - تاریخ  
 موضوع: Medicine, Islamic -- History  
 رصود: فزوده: مؤسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی  
 شناسه: ۶۱۰/۹۵۵  
 رده بندی دیویی: ۶۱۰/۹۵۵  
 شماره کتابشناسی: ۴۶۵۲۳۵۵



موسسه ملی کتاب و اسناد

## تاریخ درمان، پزشکی و بیمارستان‌ها در اسلام و ایران ۲

پزشکی در ایران اسلامی از جندی شاپور تا ربع رشیدی

گردآوری و تألیف: علی اکبر ولایتی

صفحه آرای و طراحی جلد: مؤسسه نشر آفتاب

لیتوگراف و چاپ: تیراژه

چاپ اول: ۱۳۹۶

شمارگان: ۵۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۹۲۳-۹۵-۹

قیمت: ۱۰۰۰۰۰۰ ریال

تهران، میدان آرژانتین، خیابان احمد قصیر، خیابان دهم، پلاک ۲۰

تلفن: ۰۲۱۸۸۷۵۳۳۴۵

فکس: ۰۲۱۸۸۵۰۷۴۲۱

کدپستی: ۱۵۱۴۷۳۴۳۱۱

ایمیل: info@ssor.ir

## فهرست

|    |                |
|----|----------------|
| ۷  | مقدمهٔ ناشر    |
| ۱۱ | دربارهٔ مجموعه |
| ۱۷ | مقدمه          |

### فصل اول: بیمارستان‌ها در ایران از ظهور اسلام تا دوران یورش مغولان

|     |                                                      |
|-----|------------------------------------------------------|
| ۲۵  | گفتار نخست: درمان، پزشکی و بیمارستان‌ها در صدر اسلام |
| ۲۸  | گفتار دوم: درمان در عصر صفاریان                      |
| ۳۵  | گفتار سوم: درمان در دوران سامانیان                   |
| ۱۰۹ | گفتار چهارم: درمان در دوران آل بویه                  |
| ۲۷۸ | گفتار پنجم: بیمارستان‌های دوران سلجوقی               |
| ۳۱۱ | گفتار ششم: بیمارستان‌های دوران خوارزمشاهان           |

### فصل دوم: درمان، پزشکی و بیمارستان‌های اسلامی در جهان اسلام

|     |                                                                               |
|-----|-------------------------------------------------------------------------------|
| ۳۸۹ | گفتار اول: درمان، پزشکی و بیمارستان‌های اسلامی در خلافت عباسیان               |
| ۴۳۴ | گفتار دوم: درمان، پزشکی و بیمارستان‌ها در قلمرو حمدانیان                      |
| ۴۴۶ | گفتار سوم: درمان، پزشکی و بیمارستان‌های اسلامی در دوران امویان اندلس          |
| ۴۸۰ | گفتار چهارم: درمان، پزشکی و بیمارستان‌ها در دوران زنگیان شام                  |
| ۵۰۰ | گفتار پنجم: درمان، پزشکی و بیمارستان‌ها در دوران ایوبیان مصر و شامات          |
|     | گفتار ششم: درمان، پزشکی و بیمارستان‌ها در دوران فرمانروایی ممالیک بحری بر مصر |
| ۵۰۷ | و شامات                                                                       |

|     |        |
|-----|--------|
| ۵۱۱ | منابع  |
| ۵۳۷ | تصاویر |
| ۵۵۱ | نمایه  |

## مقدمه

فرهنگ و تمدن ایران اسلامی پدیده‌ای قابل توجه و اثربخش در ساختار کل فرهنگ تمدن بشری است به احیاء دوام، و توسعه آن در دوران معاصر و به‌ویژه پس از انقلاب شکوهمند اسلامی ایران بی‌تردید به بررسی همه‌جانبه آن از حیث تاریخی بستگی دارد. کسانی که با ورود ما به الگوهای تاریخی کشورهای مختلف جهان آشنا هستند همواره از روند گسترش و غنای فرهنگ و تمدن اسلام در ایران اظهار شگفتی می‌کنند و این حاصل نشد، مگر به سبب اینکه تشرف ایرانیان به دین روشنگر اسلام، رشد و اعتلای دانش و فرهنگ دینی کهن بوم ایران را حاصل کرد. ایرانیان، پیش از تشرف به آیین پر عظمت و ابله اسلام، از فرهنگ و تمدن غنی و پرمغی برخوردار بودند که اندیشه پیشرو و تازه رسیده مسلمانان در خون همه ایرانیان به‌ویژه آنانی که استعدادی در علم و ادب و ادب و ادب داشتند گرمایی و جنبشی نو پدید آورد و سبب تبلور آن استعداد تاریخی، و بهره‌وری آن انباشت تجربه تاریخی در ملت ایران شد. روستازادگان و مردمانی که پیشتر سهم اندکی در آموزش و پرورش داشتند، در سایه‌سار درخت تنومند اسلام و تشیع مجالی یافتند تا به‌دور از تحدید و تقیید جامعه طبقاتی گذشته، در میراث کهن دانشوران و هنرمندان ایرانی شریک گردند و چون پاره‌های یک پیکر، هماهنگ و هم‌نوا در سطور کتاب‌های وزین علمی، بانگ دانش‌اندوزی و دانش‌آموزی سر دهند. بسیار شگفت است که در زمان ورود اسلام به ایران، مردم این کشور که نه

با زبان گروه‌های مسلمان عرب آشنایی داشتند چگونه در چشم به هم زدنی چنان به این آیین پیشرو و متعالی معتقد شدند و در عمل به آرمان‌های والای آن کوشیدند که از برادران عرب و غیرعربشان پیش افتادند و برترین جلوه‌های علمی و فرهنگی و هنری آن را به نمایش گذاشتند. در دوران صفاریان، سامانیان، آل‌بویه، غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهان ایران نقش و جایگاه خود را در جهان اسلام تثبیت کرد و چیزی نگذشت که ایران مدعی بی‌رقیب عرصه فکر و فرهنگ و تمدن اسلامی شد. طُرفه آنکه برخلاف اغلب ملل دیگر، ایرانیان جملگی به جوش خروش درآمدند و به جای افتادن به اختلافات قومی و قبیله‌ای نژادمحور، بیش از هر چیز، کوشیدند در دانش‌اندوزی و صنعت و تجربه از هم پیشی بگیرند. بعضی از ترمان‌روایان سلسله‌های ایران اسلامی به‌ویژه آل‌بویه درجه‌ای از ثبات و امنیت سیاسی، رونق اقتصادی و امنیت اجتماعی و فردی را در قلمرو اقتدار خود به‌وجود آوردند و زمینه را برای تحول و تکامل فعالیت‌های علمی و فرهنگی فراهم ساختند. سطح دانش سیاسی و اجتماعی آنان چنان بالا بود که به هر اندیشه و جریان فکری که حتی مایه‌ها را خط حکومت آنان بود اجازه فعالیت می‌دادند و از علما و دانشمندان هر طایفه و گروه حمایت می‌کردند. این در حالی بود که در آن عصر، در بسیاری از دیگر نقاط بلاد اسلامی اوضاع اجتماعی و فرهنگی بسیار نابسامان بود. تعصب‌های قومی، بحث بر ترجیح مذاهب بر یکدیگر و اختلاف و مشاجره‌های نژادی میان آنها جریان داشت. تقریباً می‌توان گفت کمتر شهری از این مسایل به‌دور بود. در اغلب موارد، این برخوردها به نزاع‌های خونین می‌انجامید. نه شیعه با سنی متحد بود، نه سنی با اهل بیت و نه صوفی با فقیه. افزون بر این، ناامنی‌هایی که راهزنان و قطاع طریق در نقاط مختلف ممالک اسلامی ایجاد کرده بودند زمینه را برای رکود علمی و فرهنگی در بسیاری از نقاط جهان اسلام فراهم آورده بود. هم‌چنین به سبب دست‌به‌دست شدن شهرها و ولایات در دست حاکمان مختلف قتل‌عام‌های فجیعی صورت می‌گرفت. درآمد این جنگ‌های پی‌درپی نیز تنها از راه اخذ مالیات از مردم تأمین می‌شد. این مالیات‌ها چنان بر معاش مردم تأثیر گذاشته بود که در برابر بلایای طبیعی مثل خشکسالی و قحطی، و یا زلزله و شیوع بیماری‌ها بسیار آسیب‌پذیر بودند. در این

میان، قلمرو امیران ایرانی از امن‌ترین نقاط عالم اسلام شمرده می‌شد و مأمن و پناهگاهی بود برای علما و دانشمندان و هنرمندان سراسر جهان اسلام تا در خاک پاکش ببالند و در پیشبرد آرمان‌های اسلام قدمی بردارند. این امر ممکن نبود مگر به تدبیر علما و بزرگان ایرانی که با بهره‌گیری از تعالیم قرآن و رهنمودهای معصومین (ع) و با تکیه بر پیشینه کهن فرهنگی و علمی ایران، در پی‌ریزی بنای فرهنگ و تمدن اسلامی ایران سعی بی‌حد می‌کردند. چنان‌که از سویی، سامانیان مراکز تمدنی جدیدی در بخارا و مرو برپا می‌کردند تا بزرگانی چون عیسی بن ماسه و ابن سینا با فراغ‌بال، به تحقیقات علمی خویش مشغول باشند، در همان حال، محمود غزنوی می‌کوشید سرای خود را مأمن دانشمندانی چون ابوریحان بیرونی کند، و آل‌بویه می‌کوشیدند قلمرو امنی برای پرورش بزرگانی چون رازی، علی بن عباس اهوانی و بسازند، و قطب‌الدین خوارزمشاه می‌کوشید سیداسماعیل جرجانی را سرکنش حمایت خویش گیرد. از سویی، عضدالملک دیلمی به تأسیس بیمارستان‌ها، مدارس عضدی در سراسر قلمرو خویش دست یازیده بود، و از سوی دیگر، خواجه بزرگ نظام‌الملک طوسی، سلجوقیان را به کار تأسیس نظامیه‌ها در سراسر پهنه وسیع تیسر سلجوقی فرامی‌خواند. این جنبش علمی در ایران، با هیچ کجای قلمرو اسلام، و هیچ سرزمینی در جهان آن روز، قابل مقایسه و برابری‌جستن نیست. اگر کسی بخواهد در تحکیم و مراکز علمی بغداد را با کوشش ایرانیان در دانش‌اندوزی قیاس کند، پاسخ روش آن است که:

اولاً بسیاری از مراکز علمی بغداد به توصیه خاندان ایرانی، برسدیان و دیگر خاندان‌های علمی و ادبی ایرانی ساخته شد که پیش از آن، به سبب مهارت در فن ترسل، کتابت، استیفای خراج، و مشاغل دیوانی به دستگاه خلفای عباسی راه یافتند و کوشیدند آیین‌های اصیل اخلاقی و نظام‌داری ایرانیان را به آنان بیاموزند. گرچه خلفای نابخرد و جبار عباسی شاگردان خوبی برای این خردمندان ایرانی نبودند ولی فکر و روش این بزرگان و دانشمندان راه خود را باز کرد و از مانع جهل حکام عباسی گذشت و در سراسر قلمرو اسلام منتشر شد؛

دوم اینکه بدنه و نیروی انسانی همه این مراکز، اغلب از ایرانیان جندی‌شاپوری، نظیر جرجیس ماسویه (در بیمارستان رشید)، جبرائیل بن

عبداللّه (در بیمارستان مقتدری) و گاه، هندیانی بودند که مدت‌ها در جندی‌شاپور تحصیل کرده و تعلیم دیده بودند نظیر ابن دهن، منکه، و ابن بهله که در بیمارستان برمکیان بغداد مشغول به مداوای بیماران بودند. منکه هندی از هندوستان به ایران آمد و در جندی‌شاپور مستقر شد و چند کتاب طبّی را که با خود به ایران آورده بود از سنسکریت به فارسی میانه ترجمه کرد. آثار وی بعدها از فارسی میانه به عربی ترجمه شد. پزشکان هندی چون او و نیز ابن دهن و ابن بهله به تشویق وزرای ایرانی تبار خاندان برمکی به بغداد دعوت شدند تا بیش از پیش ر دانش ایشان در بیمارستان‌هایی که با امکانات دولت اسلامی تأسیس شده بود، بهره برده شود. شایان ذکر است که برمکیان بیمارستانی را به طبّای هندی (بیمارستان برمکیان)، و بیمارستانی را به طبّای جندی‌شاپوری (بیمارستان رست) اختصاص داده بودند. اداره بیمارستان پزشکان هندی را به ابن دهن، نابغه هندی، علم پزشکی، که مسلط به زبان‌های فارسی، عربی و سنسکریت بود، وانهادند. جبرئیل بن بختیشوع، دانشمند بزرگ جندی‌شاپوری را نیز مسئول تأسیس بیمارستان، و ماسویه جندی‌شاپوری را رئیس بیمارستان جندی‌شاپوریان کردند. نکته جالب بود که این است که حتی زمانی که نورالدین زنگی و پس از او، صلاح‌الدین ایوبی، قرن‌ها بعد، یعنی در قرن ششم و هفتم هجری، خواستند بیمارستان‌های عظیمی در فلورانس ایجاد کنند، هنوز ناچار از بهره‌بردن از پزشکان ایرانی بودند؛ و این درحالی بود که ده‌ها سال پیش از آن، مرکز علمی جندی‌شاپور از میان رفته بود.

بنابر این شواهد، آشکار می‌شود که پس از تشرّف ایران به دین اسلام، رفته‌رفته هم‌داستانی این مردم در راه دانش‌اندوزی، صنعت، ترغیبه علمی نظری و کاربردی، به دانش و هنر آنان چنان عمق و غنایی بخشید که صاحبان کارگاه علوم و فنون، و سکان‌داران سفینه حیرت و صنایع از تجلیات آن همه خیرد و هنر انگشت شگفتی به دندان گزیدند و لب به اقرار گشودند که در تاریخ، کمتر قومی به این شکوفایی استعدادهای بومی و ملی رسیده است.

اگر عوامل حدوث چنین کیفیتی را در درجه اول، تطابق حس عدالت‌طلبی و حق‌طلبی و خداپرستی ایرانیان پیش از اسلام با موازین عالیّه اسلامی، و سپس،

اندیشه و ذوق و خلاقیت عنصر ایرانی، و نیز پیروی از علما و بزرگان دین قلمداد کنیم، باید در جستجوی مظاهر و شواهد این مدعا، تاریخ پرشکوه علم این سرزمین را مورد مطالعه قرار دهیم. یکی از مظاهر این رغبت عمیق به دانش‌اندوزی و توسعه علمی، نقش و سهم ایرانیان در پیشبرد دانش پزشکی، درمان، و تأسیس بیمارستان است. ابن هندو، دانشمند و پزشک نامی ایرانی و شیعه نیمه دوم قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری، در باب هفتم کتاب وزین خود، مفتاح‌الطب، درباره سهم پزشکان ایرانی در پزشکی، پس از ذکر انواع روش‌های کشف درمان‌های بیماری‌ها، می‌نویسد: «اگر مردمان باهوش و فهم در این روش‌هایی که یاد کردیم [یعنی روش‌های کشف مداوای بیماران] درنگ کنند درمی‌یابند که سناات پزشکی با این روش‌ها تحصیل می‌گردد، خاصه عمرهای بسیار و مدت‌های دراز بگذرد. امت‌های مختلف در آن ممارست ورزند و تجربه‌ها و قیاس‌ها را در آن به‌کار گیرند و از این روی است که می‌بینیم بسیاری از معالجات هندی و فارسی و ارشکی یونانی شده و همچنین معالجات یونانی با پزشکی فارسی ممزوج گردیده است و بیشتر چنان است که وقتی اسکندر بر ایران مسلط شد کتاب‌های دینی آنان را سرانید و کتاب‌های علمی آنان را به روم منتقل کرد و مترجمان آن دیار آن کتاب‌ها را برای حکیمان نقل کردند و از آن بهره‌ها گرفتند». این تأثیر ایرانیان بر دانش پزشکی دنیای اسلام، حتی غریبان را به اقرار واداشته است. ویل دورانت (ج ۴، ص ۳۱۵) رقم بیمارستان‌های مشرق‌زمین را ۳۴ نوشته و همه را الگوبرداشته از بیمارستان جندی‌شاپور می‌داند. جندی‌شاپور مرکز علمی بزرگ ایران پیش و پس از اسلام بود که تا چند قرن پس از اسلام، به حیات علمی خود با جدیت ادامه داد که شرح آن در مجلد نخست این مجموعه، به تفصیل و با بیان شواهد و قرائن تاریخی مستند و مستدل آمده است. یکی از تأثیرات جدی و پایدار مکتب جندی‌شاپور، در کنار ابداعات و روش‌های نو جندی‌شاپوریان و پیوند دادن شاخه‌های گوناگون و عمده علم، یعنی ریاضی، نجوم، فلسفه و طب به تدبیر ایشان، انتقال بیشتر دانش‌های جهان باستان به عالم اسلام بود. در باب انتقال دانش طبّی یونانیان به عالم اسلام از طریق دانشمندان جندی‌شاپوری نیز سخن بسیار در مجلد اول این مجموعه، گفته شده است. اما بر

آن، باید افزود که در همان راستای انتقال علوم اوائل یعنی علوم یونانی به عالم اسلام، انتقال دانش طب هندی از طریق مکتب جندی‌شاپور نیز ارمغان بزرگ این مکتب و ایرانیان برای طب اسلامی بود و باعث رشد و رواج صورت‌های مختلف پزشکی در میان مسلمانان شد. از دوران ساسانیان، اطلاعات و علوم هندی به ایران منتقل می‌شد و در زمان خسرو انوشیروان این آگاهی‌ها در مراکز علمی و فرهنگی آن عصر، به‌ویژه دانشگاه و مرکز علمی جندی‌شاپور، منسجم شده بود. آگاهی‌های بسیاری درباره گیاهان دارویی مفید هندیان در این مرکز گردآوری شده بود و تدریس طب هندی یکی از دروس رایج علمی این دانشگاه بود. آثار طبیبی هندیان از سنسکریت به زبان فارسی میانه ترجمه شده بود و احتمالاً در کنار دیگر زبان‌های رایج در جندی‌شاپور نظیر سریانی، فارسی و یونانی، زبان سنسکریت نیز تدریس می‌شد. دلیل این ادعا، رواج آثار سنسکریت یا ترجمه آنها به زبان فارسی در عربی در قرن‌های بعد است. این ارتباط پزشکان هندی، پس از ورود اسلام به ایران قطع نشد، بلکه با اسلام آوردن بخش‌هایی از سرزمین سند و هند، اطباء و علماي هندی که هنوز با مراکز علمی ایران ارتباط داشتند، با شروع نهضت ترجمه حضور خود در مراکز علمی ایران، به‌ویژه جندی‌شاپور را پررنگ‌تر کردند.

جندی‌شاپور اما، خود تنها یکی از چشمه‌های حوضان علم و معرفت در سرزمین بزرگ و پهناور ایران بود. چیزی از تشرف ایرانیان به دین اسلام نگذشته بود که مراکز علمی از مرو، بخارا، خوارزم، نیشابور، گرگان، ری، اصفهان، زرتنگ، قم، فارس، کرمان، و... سربرآوردند و نوابغ علمی و پزشکان برجسته‌ای به جامعه علمی جهانی معرفی کردند که بعضی از ایشان، هنوز هم همتا و رقیبی ندارند؛ بزرگانی چون: عیسی بن ماسه، ابن سینا، رازی، عطار نیشابوری، ابن ابی‌اصدق نیشابوری، ابن مرخم، ابوالحکم طبیب، سیداسماعیل جرجانی و... به جرئت می‌توان ادعا کرد پس از آن، هرچه در قلمرو اسلامی در حوزه پزشکی انجام شده، نظیر آنچه حمدانیان (۲۹۲-۳۹۴ق)، امویان اندلس (۱۳۸-۴۲۲ق)، زنگیان شام (۵۲۱-۶۴۸ق)، ایوبیان مصر و شامات (۵۶۴-۶۴۸ق)، و ممالیک بحری مصر و شامات (۶۴۸-۷۸۴ق) کردند، حتماً و قطعاً وام‌دار، دنباله‌رو، و تحت‌تأثیر مستقیم

و بی‌واسطهٔ پیشرفت‌های علمی ایرانیان در دانش پزشکی، درمان و تأسیس بیمارستان‌ها بوده است.

مجلد حاضر از مجموعهٔ «پزشکی، درمان و بیمارستان‌ها در فرهنگ و تمدن اسلام و ایران» اختصاص به بررسی سیر شکوفایی دانش پزشکی و تأسیس بیمارستان‌ها در فاصلهٔ زمانی ظهور اسلام تا حملهٔ مغول، تأسیس دولت ایلخانی و برپایی مرکز علمی ربیع رشیدی به همت خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی دارد. از آنجا که به مقتضای موضوع، بحث مرکز علمی، بیمارستان و دانشگاه جندی‌شاپور در مجلد اول این مجموعه به تفصیل آمده، در مجلد دوم، از این موضوع غرض خراشیم کرد و دیگر مراکز علمی ایرانی را که برخلاف جندی‌شاپور، در دوران اسلامی تأسیس شدند مورد بررسی قرار خواهیم داد. در کنار مراکز ایرانی، نگاهی هم خواهیم داشت به مراکز دیگر علمی و بیمارستان‌هایی که تحت‌تأثیر دانش پزشکی و بیمارستان‌های ایرانی در سراسر قلمرو اسلام تأسیس شد.

نگارنده به‌هیچ‌وجه مدعی بیارهمی روای پیدای پنهان موضوع مورد بحث نیست، و پرده‌برداشتن از حُجُب آن را رکنی به مجالی بیشتر می‌داند. آنچه در پیشگاه خوانندگان فرهیخته عرضه خواهد شد تنها توصیفی تاریخی و علمی از موضوع خواهد بود، تا مبنایی باشد برای تحقیق و آواش‌های بیشتر و کنکاش و مباحثهٔ اهل علم. امید که مورد قبول فرهیختگان و جامعهٔ علمی کشور قرار گیرد و نگارنده را از نقدها و نظرات خویش بی‌نصیب نگذارند.